



# ماهنامه خبری

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

شماره چهارم / دی ۱۴۰۲







بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## ماهنامه خبری

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

شماره چهارم / دی ۱۴۰۲

### فهرست اخبار

- بیانیه ..... ۳
- دیدار و گفتگوی دبیر مجمع عالی حکمت اسلامی با رئیس و معاون پژوهشی مؤسسه ..... ۴
- پیام تسلیت رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به مناسبت درگذشت استاد «کریم مجتهدی» ..... ۵
- سخنرانی «فهم در علوم انسانی و علوم طبیعی» ..... ۶
- نشست نقد و بررسی کتاب «عقل و اصالت آگاهی در اندیشه ابراهیمی دینانی» ..... ۸
- سخنرانی «چپ داروینی به روایت ایرانیان» ..... ۱۰
- کرسی ترویجی «بازخوانی اراده آگاهانه با رویکرد صدراپی در مواجهه با آزمایش های بنجامین لیبت» ..... ۱۳

مدیر مسئول: رئیس مؤسسه؛

حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر عسکر دیرباز

سر دبیر: معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی؛

حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر سیداحمد غفاری

سایت مؤسسه: [www.irip.ac.ir](http://www.irip.ac.ir)

نشانی: خیابان ولیعصر (عج)، خیابان نوفل لوشاتو،

خیابان شهید آراکلیان، شماره ۴، روابط عمومی مؤسسه،

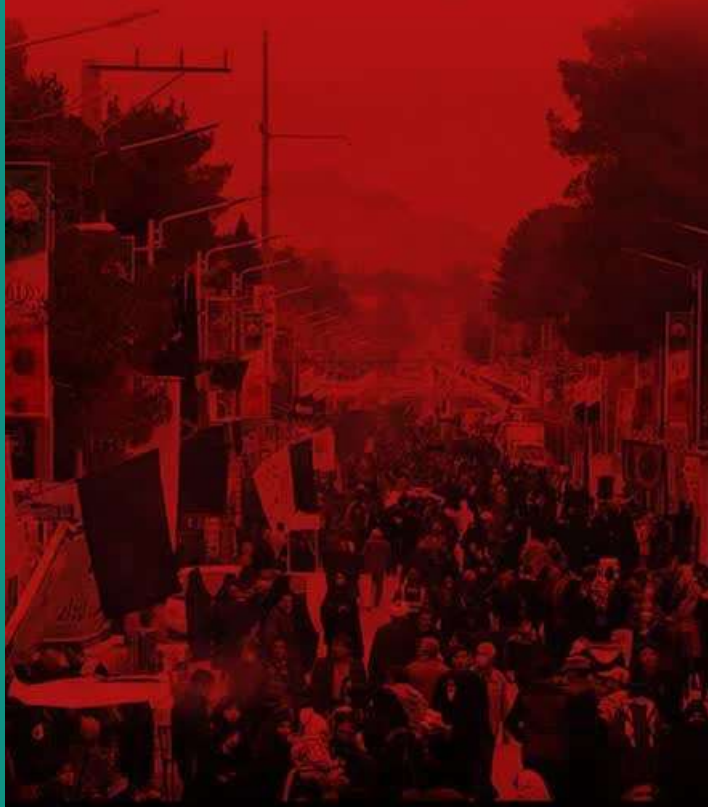
کد پستی: ۱۱۳۳۶۱۴۸۱۶ تلفن: ۶۶۹۶۵۶۳۰ - ۶۶۴۰۵۴۴۵

طراحی: سعید صحابی

# هر آزادانه

از زائرانت هم

انفجار خونین در سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی



بسم الله الرحمن الرحيم

و لاتحسين الذين قتلوا في سبيل الله أمواتا بل أحياء عند ربهم يرزقون (آل عمران/۱۶۹)

شهادت مظلومانه زائران و راهبانِ مکتبِ شهید سلیمانی در جوار مرقد مطهر شهید گرانقدر حاج قاسم سلیمانی را به ساحت مقدس امام زمان (عج) و نائب برحق ایشان امام خامنه‌ای عزیز و به خانواده‌های شهیدان این مسیر گلباران و ملت شریف و شهید پرور ایران تبریک و تسلیت عرض نموده و این حادثه ددمنشانه را محکوم می‌نماییم. روشن است که عاملان اصلی و حامیان این واقعه تلخ، رژیم کودک کش اسرائیل است، که به دلیل زوال عقل و افول قدرت در مواجهه با گروه مقاوم و پرافتخار حماس، به کشتار مردم بی‌دفاع و بیگناه روی آورده است. از نیروهای زحمت کش امنیتی و دولتی عزیز تقاضا داریم علاوه بر تلاش برای دستگیری مباشران این فاجعه عظیم، تدبیر جدی در جهت تحقق مطالبه رهبر معظم انقلاب و مردم مجاهد و مؤمن ایران در راستای انتقام سخت از کودک‌کشان صهیونیستی را محقق کنند.

والسلام علیکم وعلی عبادالله الصالحین

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران







## دیدار و گفتگوی دبیر مجمع عالی حکمت اسلامی با رئیس و معاون پژوهشی مؤسسه

در زمینه‌های بیشتر، از رئیس و معاون پژوهشی مؤسسه جهت همکاری کامل در برگزاری هر چه بهتر همایش بین‌المللی علامه طباطبایی، تقدیر شد.

دبیر مجمع عالی حکمت اسلامی و هیئت همراه، در روز سه‌شنبه ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۲، با رئیس و معاون پژوهشی مؤسسه دیدار و گفتگو داشتند. در این دیدار علاوه بر مذاکره درباره همکاری





## پیام تسلیت رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به مناسبت درگذشت استاد «کریم مجتهدی»



باسمه تعالی

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

با نهایت تأثر و تأسف اطلاع یافتم استاد ارجمند و پژوهشگر گرانمایه جناب آقای دکتر کریم مجتهدی دعوت حق را لبیک گفت. این دانشور ارزشمند که سالیان متمادی عمر گرانبهایش را به تحقیق و تدریس در مراکز معتبر علمی گذرانده بود با مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران نیز همکاری مستمر داشت. ایشان افزون بر نگارش‌های گوناگون در حوزه تاریخ فلسفه غرب، به اندیشه‌های فلسفی اندیشمندان مسلمان به ویژه شهاب‌الدین سهروردی التفات داشت.

ضمن عرض تسلیت فقدان این استاد فلسفه، اینجانب از درگاه الهی برای آن مرحوم، مغفرت و رضوان الهی و برای خانواده و

بستگان سوگوار، استادان، پژوهشگران، دانشجویان و بهره‌مندان از محضر درسی آن استاد، تسلی و صبر جزیل مسئلت دارم.

عسکر دیرباز

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

۱۴۰۲/۱۰/۲۵





## سخنرانی

### «فهم در علوم انسانی و علوم طبیعی»

غیرعمدی مثل عطسه کردن را با رویکرد علوم طبیعی توضیح داد به همان صورت نیز می‌توان کنش‌هایی مثل فریاد زدن در خیابان را با ملاک و روش‌های رایج علمی توضیح داد و در نهایت دلیل، معنا یا انگیزه درونی آن کنش‌ها را پیدا کرد.

این پژوهشگر فلسفه علم در ادامه به موضوع «فهم به مثابه مطلوب» پرداخت و توضیح داد: از منظر دیگری، استفان گریم معتقد است چیزی جز انسجام ساختاری حالت‌های ذهنی در فهم این کنش دخیل است و برای فهم تنها ارائه دلیل برای اینکه چرا هدفی توسط فردی «خواسته» شده کافی نیست بلکه آن قصد و هدف باید دارای ویژگی «خواستنی بودن» نیز باشد و فهم کننده لازم است بداند چرا هدفی مطلوب و یا شایسته انتخاب است.

ساعتچی سپس به بررسی ایده گریم پرداخت و گفت: خواسته بودن از خواستنی بودن مستقل است؛ چون اینکه چیزی به هر دلیلی توسط کسی خواسته شده است به این معنی نیست که الزاماً امری خواستنی باشد متقابلاً آنچه خواستنی است ممکن است هیچگاه توسط فرد یا افرادی خواسته نشده باشد. به عقیده گریم به منظور فهم یک کنش کافی نیست که فقط به هدف فکر کنیم بلکه باید بتوانیم خودمان هم یک هدف خیر تشخیص دهیم در غیر این صورت این عمل برای من نامفهوم خواهد بود هرچند در یک بعد قابل فهم است اما در دیگر ابعاد نامفهوم

در سخنرانی «فهم در علوم انسانی و علوم طبیعی» که در روز سه‌شنبه ۵ دی‌ماه ۱۴۰۲ در سالن دکتر نصر مؤسسه برگزار شد، پریسا ساعتچی، پژوهشگر فلسفه علم، و کیوان الستی، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، به بررسی دیدگاه‌های استفان گریم، دانشمند آلمانی درباره موضوع فهم در علوم انسانی و علوم طبیعی پرداخته و دیدگاه وی را تشریح نمودند.

ساعتچی در این نشست با اشاره به اینکه در همه دوره‌های تاریخی انسان به دنبال فهم بوده به تعریف فهم پرداخت و گفت: درباره فهم دو تعریف و دیدگاه وجود دارد. یکی دیدگاه دانشمندان علوم طبیعی که نزدیک به مفهوم تبیین (explanation) است و دیگری دیدگاه دانشمندان علوم اجتماعی که نزدیک به مفاهیم همدلی (empathy) یا تعبیر (interpretation) است. استفان گریم درباره فهم از رویکردهای نزدیک به علوم انسانی دفاع می‌کند. او فهم رایج در علوم طبیعی را از نوع دیگری از فهم که غالباً در علوم انسانی رخ می‌دهد و با ارزش‌هایی مرتبط است که اعمال بشری به قصد آنها انجام می‌شود مجزا می‌داند.

ساعتچی افزود: دیدگاه استفان گریم، درباره فهم، «فهم» به مثابه دریافت ساختار است. به این معنا که بسیاری از رفتارهای انسانی از منظر سوم شخص فهمیده می‌شوند و می‌توانند موضوع بررسی‌های علمی باشند. به همان صورت که می‌توان یک رفتار







وی سپس به جمع بندی بحث پرداخت و گفت: به طور کلی استفان گریم دو نوع فهم معرفی می‌کند؛ فهم به مثابه دریافت ساختار و فهم به مثابه مطلوب قلمداد کردن. او معتقد است با دریافت اهداف خاص شخص فهم شونده به عنوان عملی خواستنی به نوعی فهم عمیق‌تر دست خواهیم یافت. بنده در این پژوهش صورت بندی ارائه دادم که در آن نقش عامل در فرایند فهم پررنگ‌تر است و در این صورت بندی نوع «فهم» ارائه شده پیش از دریافت ساختار اتفاق می‌افتد.

ساعتچی در پایان اضافه کرد: در جهان امروزی نگرش باور و تمایل به فهمیدم، نگرش مهمی است. یک شخص ممکن است در زندگی روزمره خود پیوسته در حال دریافت ساختار و یا بررسی مطلوب بودن اهداف کنش‌ها نباشد اما مکانیزمی را به نام همدلی می‌شناسد که به او کمک می‌کند تا در صورت تمایل اعمال این افراد را بفهمد و این تمایل و خواست عامل نیز در شرایط خاصی وجود دارد.

کیوان الستی هم در بخش پرسش و پاسخ این جلسه گفت: طبیعت‌گرایان می‌خواستند که فهم هم مدل علوم طبیعی با ساختار فهمیده شود اما وقتی شهود به چالش کشیده می‌شود و پای موارد عجیب و غریب به میان می‌آید دیگر چنین فهمی امکان پذیر نیست. در اغلب مواقع فهم (۱) آن چیزی که می‌خواهیم به ما می‌دهد و ما با آن خوشحال هستیم مگر اینکه با مورد عجیب و غریب مواجه باشیم. در فهم دوم اما پای کاربر یا agent به میان می‌آید.

خواهد بود درواقع فهم اعمال انسان چیزی بیشتر از صرفاً دریافت ساختار است.

این پژوهشگر فلسفه علم در ادامه به بیان ابهامات این نظریه با ذکر مثال پرداخت و سپس بیان کرد: گریم دوگانه فهمش را با دوگانه دیلتای مقایسه می‌کند در حالی که دیلتای به نحوی صحبت می‌کند که انگار فهم در علوم انسانی وابسته به کاربر و مبتنی بر مختار بودن انسان است. در این صورت بیشتر موضوعی عمل‌گرایانه و لذا وابسته به زمینه اجتماعی یا context است.

او در ادامه به دو نگاهی که گریم به فهم دارد پرداخت و توضیح داد: فهم (۱) به عنوان پاسخی به سوال چرایی تعریف شده است. در نتیجه به نوعی با موضوع «دانش» مرتبط بوده و موضوعی «معرفت شناختی» محسوب می‌شود. فهم (۲) هم وابسته به دانش است اما دانش به وجود اشتراک در دریافت یکسان ارزش‌ها. فهم (۲) به شکل غیرمستقیم به همان شرایطی ارجاع می‌دهد که فهم (۱) را محقق می‌کند. در اینجا همدلی کردن تنها عاملی برای پذیرش وجود ساختاری است که هرچند جزئیات آن را نمی‌شناسیم اما «می‌دانیم» که دست کم امکان توجیه عمل را ایجاد خواهد کرد. در این صورت باید فهم (۲) گریم را نیز نوعی از فهم (۱) قلمداد کنیم؛ موردی که گریم منکر آن است.

این پژوهشگر در ادامه به تشریح دو صورت بندی که وی درباره نظریه استفان گریم ارائه داده پرداخت. صورت بندی فهم به مثابه دریافت ساختار (فهم معرفت شناختی) و صورت بندی عمل‌گرایانه مواردی بود که ساعتچی با ذکر مثال توضیحشان داد.





## نشست نقد و بررسی کتاب

### «عقل و اصالت آگاهی در اندیشه ابراهیمی دینانی»

به معنای قوه یا نیرویی است که بالاتر از افق حس و خیال و وهم، به ادراک کلیات می‌پردازد.

وی افزود: استاد این قسمت را قبول دارند که عقل بالاتر از افق حس و خیال و وهم به ادراک کلیات می‌پردازد اما تحت هیچ شرایطی عقل را قوه نمی‌داند چرا که اگر عقل قوه بود نیازمند محل بود و عقل اگر نیازمند محل بود محدود به محل می‌شد و از این جهت از عقل بودن خارج می‌گشت. اما عقل در اندیشه استاد همه حقیقت آدمی است. استاد در تعریف عقل می‌فرماید عقل زائد بر انسان نیست و یک امر عرضی به‌شمار نمی‌آید، بلکه فصل مقوم انسان است و یک امر جوهری شناخته می‌شود.

قربانی خاطر نشان ساخت: بنابراین هرگونه بررسی عقل در حقیقت بررسی انسان است و شناختن عقل، یعنی شناختن خویشتن و کسی که خویشتن را می‌شناسد، در واقع، عقل را شناخته است و عقل را جز با عقل نمی‌توان شناخت. همچنین، عقل در اندیشه استاد مرتبه‌ای از وجود است که شکل ندارد، قید ندارد، موجودی مخلوق بوده، و توان شناختن حق را ندارد. این عقل نسبت به ذات حق تعالی محدود بوده و نسبت به ماسوی الله نامحدود است. این عقل یک جوهر است که بدون عرض در

نشست نقد و بررسی کتاب «عقل و اصالت آگاهی در اندیشه ابراهیمی دینانی» نوشته دکتر معصومه قربانی آندره‌سی، در روز چهارشنبه ۱۳ دی‌ماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۶-۱۴، باحضور نویسنده کتاب و دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی برگزار شد. دبیری این نشست را خانم دکتر شهین اعوانی، استاد فلسفه و هیئت علمی بازنشسته مؤسسه، عهده‌دار بودند. شایان ذکر است که این برنامه با استقبال گسترده علاقه‌مندان و اصحاب رسانه روبرو شد. در ادامه گزارشی از این نشست از نظر می‌گذرد:

قربانی در ابتدای سخنانش درباره استاد ابراهیمی دینانی گفت: دینانی فیلسوفی متأله، عارفی روشن‌ضمیر، و متکلمی حاذق هستند که هر کسی به بضاعت وجودی خویش از دریای بیکرانة علم ایشان بهره‌مند می‌شود. نظریه عقلی استاد نظریه‌ای مستقل است که با سایر اندیشمندان تفاوت خاصی دارد. وقتی بحث عقل پیش می‌آید هر کسی مفهوم خاصی از آن متوجه می‌شود. ملاصدرا به شش تعریف از عقل اشاره می‌کند که هیچ قدر جامعی با یکدیگر ندارند: عقل عامه، عقل غریزی، عقل متکلمان، عقل حکما، عقل اخلاق، و عقل مجرد. می‌توان ادعا کرد که استاد با اندکی تسامح به نظر حکما نزدیک می‌شود. در نظر حکما عقل







در بند خدا باشد شریف است. من و شما هم اگر چیزی از طریق عقل می‌فهمیم باید به خدا بسپاریم.

وی با اشاره به اینکه عقل فعال، واسطه ما و خداوند است افزود: هر کسی که عقل دارد باید بیندیشد و فیلسوفی کند. سخن سهروردی در عقل سرخ هم همین است که نماینده خدا در آفرینش، عقل کل است.

منصوری لاریجانی سپس به بیان شیوه آشنایی‌اش با ابراهیمی دینانی پرداخت و توضیح داد: سابقه آشنایی من با استاد به سال ۱۳۶۲ برمی‌گردد. زمانی که ایشان در دانشکده الهیات درس می‌دادند. بنده نزد ایشان اسفار اربعه، شواهد الربوبیه، و آثار ابن‌سینا را خواندم و به‌خوبی با ایشان و آثار و تفکراتشان آشنا هستم. استاد دینانی ۱۱ سال درس حوزه خوانده، فقه و اجتهاد را خوب فهمیده و جزو شاگردان علامه طباطبایی بوده است ضمن اینکه عقل و فهم فلسفی خوبی دارند. این مسئله مهمی است چون خیلی‌ها کتاب فلسفی می‌نویسند اما فهم فلسفی ندارند.

منصوری لاریجانی در پایان در خصوص کتاب «عقل و اصالت آگاهی در اندیشه ابراهیمی دینانی» قربانی گفت: منابع و رفرنس‌های کتاب خیلی خوب است و نویسنده تطبیق‌های خوبی در این کتاب ارائه داده است. پیشنهاد من به ایشان این است که در یک اثر مجزا هم به صورت مفصل به موضوع عقل و اصالت آگاهی بپردازند.

انسان تحقق دارد و دست یافتن به عنوان یک موجود جوهری در جهان خارجی و بیرون از انسان امکان‌پذیر نیست بلکه از درون انسان به ظهور می‌رسد. این عقل مُدرک کلیات است و انسان به همین دلیل توانایی سخن گفتن و استدلال کردن را پیدا می‌کند و می‌تواند از اجمال به تفصیل برود و سبب پیدایش تمدن گردد.



در ادامه این نشست دکتر منصوری لاریجانی به توصیف ویژگی‌های ابراهیمی دینانی پرداخت و گفت: عنوان یک کتاب خیلی مهم است و خانم دکتر قربانی به درستی عنوان «عقل و اصالت آگاهی» را برای این کتاب انتخاب کرده‌اند. خیلی مهم است که ما تعریف عقل را بدانیم چون «عقل» شریف‌ترین مخلوق خداست و معیار شناخت، عقل است. علاوه بر این، عقل شناختش را از خدا و نور می‌گیرد. فارابی، ابن‌سینا، و ابن‌رشد می‌گویند وجه ممیز انسان با غیره، عقل انسان است. البته این را هم باید گفت که عقل مرتبه‌های مختلف دارد. عقل اگر تنزل پیدا کند می‌تواند بمب و سلاح شیمیایی بسازد. پس عقل اگر





## سخنرانی

### «چپ داروینی به روایت ایرانیان»

تکامل بسنجیم. این ترتیب تاریخی از اواخر دوره قاجار آغاز می‌شود و در دوره پهلوی اول، پهلوی دوم و پسانقلاب سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۲ ادامه می‌یابد. طبعاً در هر یک از دوره‌های پیش‌گفته، بودند اندیشمندانی که تمایلات چپ داشتند و از همین رو کنشگری سیاسی را هم پی می‌گرفتند. برای اینکه بتوان در این گفتار کوتاه گزارشی کلی از چپ‌های ایرانی و نسبت هر کدام با نظریه تکامل به‌دست داد بهتر است از هر دوره افراد شاخص را برگزینیم و به اندیشه‌های ایشان اشاره کنیم. به طور کلی قصد من در این گفتار این است که اولاً نشان دهم جریان چپ ایرانی چه تفکراتی داشته و بیشتر به کدام یک از روایت‌های مارکسیستی تمایل داشته؛ ثانیاً روشن کنم که این جریان چه برداشتی از داروینیسم داشته و چه نسبتی با آن برقرار کرده است.

برای رسیدن به این نتیجه لازم است بیان کنم که جریان‌های سوسیالیستی مدت‌ها پیش از ظهور مارکسیسم در کشورهای اروپایی حضور اثرگذار داشته و در پی دستیابی به حقوق انسانی و آزادی می‌کوشیدند. بررسی این جریان بیرون از وظیفه این گفتار است اما در اینجا تنها به این نکته باید اشاره شود که تا

سخنرانی «چپ داروینی به روایت ایرانیان» با ارائه محمد معصومی (پژوهشگر تاریخ علم)، در روز سه‌شنبه ۱۴۰۲/۱۰/۱۹ و در محل مؤسسه، برگزار شد؛

موضوع چپ داروینی با این عنوان مشخص، ظاهراً از ابتدای قرن بیست و یکم با کتاب پیتر سینگر - که با ترجمه محمد مهدی هاتف از سوی نشر کرگدن منتشر شده است - به ادبیات مباحث فلسفی و سیاسی و همچنین موضوعاتی بینارشته‌ای همچون تاریخ اجتماعی و تاریخ سیاسی علم راه یافته است. در واقع چپ داروینی از دیدگاه سینگر، نوعی توصیه به سیاست‌گذاران برای بازگشت به اندیشه‌های داروین است؛ به نحوی که بتوان در سایه آن‌ها نوعی از اندیشه سیاسی چپ را پایه گذاشت برای حل و فصل چالش‌های امروزی. صرف‌نظر از منظری که سینگر در کتابش از آن می‌نگرد، چپ داروینی در ایران بیشتر نوعی نگاه به گذشته و کاوش در میان اندیشه‌های چپ در فرازهای تاریخ معاصر پسامشروطه ایران است.

به این ترتیب، برای بررسی اندیشه چپ در ایران نیازمند تقسیم‌بندی تاریخی چهارگانه زیر هستیم تا بتوانیم با دقت در دیدگاه‌های متفکران چپ در هر مقطع، ارتباط آن را با نظریه



با رویکرد ماتریالیسم دیالکتیک به مثابه دیدگاهی که قرار است پیوستگی میان علوم را توضیح دهد، نوشته شده است. پس از سال‌های ۱۳۱۰، ارانی با هم‌فکری بزرگ علوی و ایرج اسکندری و دیگران، نشریه دنیا را بنیان می‌نهد. این نشریه از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ به طور نامنظم منتشر شد. پس از بررسی مقالاتی که اغلب از خامه ارانی تراویده است، روشن می‌شود که وی همان دیدگاه‌ها را با بیانی ساده و خلاصه‌تر و با حذف مباحث فنی برای مخاطب عمومی نوشته است. در مقالات و کتاب‌های ارانی، اولاً اعتبار ویژه‌ای به نظریه تکامل داده شده و ثانیاً نظریه داروین ابزار مهمی برای درک ماتریالیسم دیالکتیک در زیست‌شناسی معرفی شده است.

پس از این مقطع و با سقوط دیکتاتوری رضاخان در شهریور ۱۳۲۰، حزب توده از سوی بازماندگان پنجاه‌وسه نفر و حزب کمونیست ایران در مهر همان سال سامان داده می‌شود. حزب توده که از همان ابتدا جهان‌بینی مارکسیسم-لنینیسم را برگزیده بود در اولین گام‌های خود اقدام به راه‌اندازی چند نشریه و روزنامه کرد و با بازنشر برخی از آثار مهم ارانی کوشید خلأ تئوریک خود را پر کند و در عین حال خود را دنباله‌روی اندیشه‌های ارانی معرفی کند. در این مقطع، علاوه بر کتاب‌هایی که از ارانی بازنشر می‌شد، حزب اقدام به ترجمه چند کتاب کرد. در همه آثاری که تا فاصله کودتای ۱۳۳۲ و غیرقانونی شدن حزب توده منتشر شد تماماً توضیح و ترویج ماتریالیسم دیالکتیک دیده می‌شود که گاه در کنار نظریه داروین هم می‌نشیند. با غیرقانونی شدن فعالیت حزب در دهه سی و انتقال کمیته مرکزی به خارج از ایران، سیر تولید آثار تئوریک و انتشار درس‌نامه‌های حزبی از روی دست چپ‌های کمونیست شوروی شتاب گرفت و این کتاب‌ها اغلب به صورت زیرزمینی و با نام «جلد سفید» در ایران چاپ و دست‌به‌دست و خوانده می‌شد. در بیشتر این کتاب‌ها نیز هم‌نشینی ماتریالیسم دیالکتیک با نوعی تفسیر خاص از اندیشه تکاملی داروین دیده می‌شود.

با آغاز دهه چهل و تنگ‌شدن حلقه استبداد حاکمیت و سرکوب شدید مخالفان، جنبش‌های چپ در ایران در نوعی دگردیسی روشی به فعالیت‌های مسلحانه و چریکی متوسل شدند تا بتوانند برون‌رفتی از این تنگنا بیابند. حوالی سال ۱۳۴۴ سازمان مجاهدین خلق ایران از سوی چند دانشجوی پیرو نهضت آزادی ایران، با هدف مبارزه مسلحانه با حاکمیت تشکیل شد. در میان چند کتاب تئوریکی که از سازمان در دست است مشخصاً کتابی با نام تکامل دیده می‌شود که به قلم علی میهن‌دوست نوشته

پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه که منجر به پیروزی حزب بلشویک شد، جریان‌های سوسیال دموکرات در آنجا حضور داشته و در قالب احزاب فعالیت می‌کردند. تنها پس از انقلاب اکتبر است که اردوگاه چپ در بیشتر نقاط دنیا به دو شاخه سوسیال دموکرات‌ها که به اصلاحات باور داشتند و بلشویک‌های طرفدار لنین که راه نجات را در انقلاب می‌دیدند، تقسیم شد.

بر پایه اسنادی که در دست است، با آغاز فعالیت‌های سوسیالیستی در میان همسایگان ایران و به‌ویژه ترکان عثمانی و روشنفکرانی که در باکو فعال بودند و متفکران پیشتاز جهان عرب، آراء جدید به حوزه فکری ایرانیان نیز وارد شد و تحركات حزبی شکل گرفت؛ به نحوی که برخی از این احزاب در انقلاب مشروطه نیز حضور ثمربخشی داشتند. نخستین جنبش‌های رسمی تحزب در ایران ظاهراً با حزب اجتماعيون-عاميون شکل گرفت. بعدتر در سال ۱۲۹۹ش حزب کمونیست ایران سامان یافت و توانست تا حوالی سال ۱۳۱۰ش فعالیت کند. در این فاصله نشریاتی نیز از سوی این جریانات در داخل و خارج از ایران منتشر می‌شد و گه‌گاه بازتابی بود از اندیشه‌های فلسفی آنان که به گمان اهل تحقیق بیشتر همان مارکسیسم روسی یا مارکسیسم-لنینیسم بوده است. درست همین خط است که در سال‌های بعد نیز دنبال می‌شود و منجر به حضور جدی‌تر احزاب چپ می‌گردد.

در فاصله تأسیس حزب کمونیست تا سال ۱۳۱۰ش که طبق قانون همه فعالیت‌های کمونیستی در ایران ممنوع شد، یک گروه دیگر نیز نمودار شد که بعدتر به گروه پنجاه‌وسه نفر شهرت یافت. مغز متفکر این افراد نیز دکتر تقی ارانی بود که حوالی سال ۱۳۰۹ش پس از پایان تحصیلات از برلن به ایران برگشته و در دارالفنون به تدریس می‌پرداخت. ارانی از سال ۱۳۰۹ تا حوالی ۱۳۱۲ چند جلد کتاب با عنوان کلی سلسله علوم دقیقه در فیزیک و شیمی و پسیکولوژی (به تعبیر خودش علم روح) نوشت و کوشید در آنها ارتباط علوم را با ماتریالیسم دیالکتیک تبیین کند. با نگاهی به این کتاب‌ها می‌توان نشانی از ستاره بلند دانشوری و اندیشه‌ورزی را در پیشانی او دید. این کتاب‌ها







مارکس و انگلس هر دو بر این باور استوار بودند که با ظهور اندیشه داروین، هر نوع غایت‌گرایی و هدف‌مندی در میان جانوران منتفی است و این شانس و احتمال و ضرورت است که بدون هر نوع هدف مشخص و از رهگذر انتخاب طبیعی، جانوران را برای بقا برمی‌گزینند، همان جانورانی که بهتر توانسته‌اند خود را با شرایط طبیعی متناسب کنند. در نتیجه، هر نوع کمال‌گرایی و هدف‌مندی با توسل به اندیشه داروین باطل است. با در نظر داشتن این نکته، می‌توان گفت چپ‌های ایرانی بیش از آن‌که پیرو نظریات داروین بوده باشند، به دلایلی و از جمله ترجمه آثار انگلس - که بیشتر نوعی نگاه لامارکی در آثارش داشته است - تمایل ناخودآگاه زیادی به دیدگاه لامارک داشته‌اند. لامارک معتقد بود نوعی عقل بر طبیعت حاکم است که موجودات را در مسیر کمال‌یابنده و از ساده به پیچیده می‌راند و این نظریه‌ای بود که نوعی غایت را در نظر می‌گرفت. باید توجه کرد که این اندیشه حتی در زمان داروین نیز طرفداران متعصبی داشت و از جانب افرادی چون هرشل، هیوول، استوارت میل و دیگران حمایت می‌شد. پس چندان عجیب نبود که در چنین فضایی اندیشه‌های داروین محلی از اعراب نیابد و مورد بی‌مهری واقع شود. به گمان من می‌توان با تکیه بر اسناد موجود نشان داد که چپ داروینی به روایت ایرانیان بیشتر لامارکی است تا داروینی.

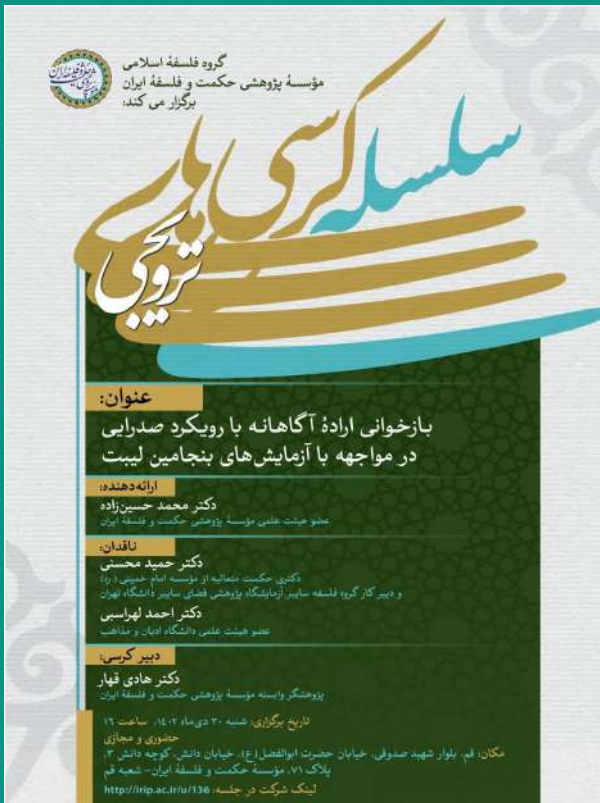
شده و در آن حضور پررنگ اندیشه تکاملی برای پیشرفت تاریخ بشر مشهود است. همچنین از سوی بخش مارکسیست‌شده سازمان پس از سال ۱۳۵۴ که به انشعاب کشیده شد، جزوهای با نام بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک منتشر شد که در آن صریحاً دیدگاه‌های ماتریالیستی خود را بیان کرده بودند.

پس از این، سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز با حمله به پاسگاهی در سیاهکل در ۱۳۴۹ قدرت خودش را به رخ حاکمیت کشاند و تا سال‌ها موجب بروز مشکلاتی برای نظام سیاسی مستقر شد. در میان کتاب‌هایی که از سوی این سازمان منتشر شده نیز همان خط ماتریالیسم دیالکتیک دیده می‌شود که جهان‌بینی رسمی سازمان بود.

بعدتر میان سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ با بروز انقلاب اسلامی عرصه فراخی برای تقریباً همه گروه‌های چپ فراهم شد و از میان انبوه گروه‌های پراکنده چپ در ایران هر کدام مجال یافت تا به ترویج اندیشه‌های خود بپردازد. به این ترتیب در طول این پنج سال حجم زیادی از کتاب و روزنامه و مجله از جانب ایشان منتشر شد که می‌توان در میان آن‌ها همان اندیشه‌های گذشته را باز یافت.

با توضیحی که مختصراً گفته شد، می‌توان گفت که چپ ایرانی از سویی شدیداً تحت تأثیر اندیشه‌های انگلس و لنین بوده و تمایل زیادی به ماتریالیسم دیالکتیک داشته است. در عین حال نگاه چپ‌ها با توجه به جهان‌بینی‌شان، نوعی تکامل جهت‌دار، کمال‌گرا و هدف‌مند را پیش چشم می‌گذاشت که نقطه برخورد اصلی با دیدگاه داروین است. بر پایه اسنادی که در دست داریم،





## کرسی ترویجی

### «بازخوانی اراده آگاهانه

### با رویکرد صدراپی در مواجهه با

### آزمایش‌های بنجامین لیبت»

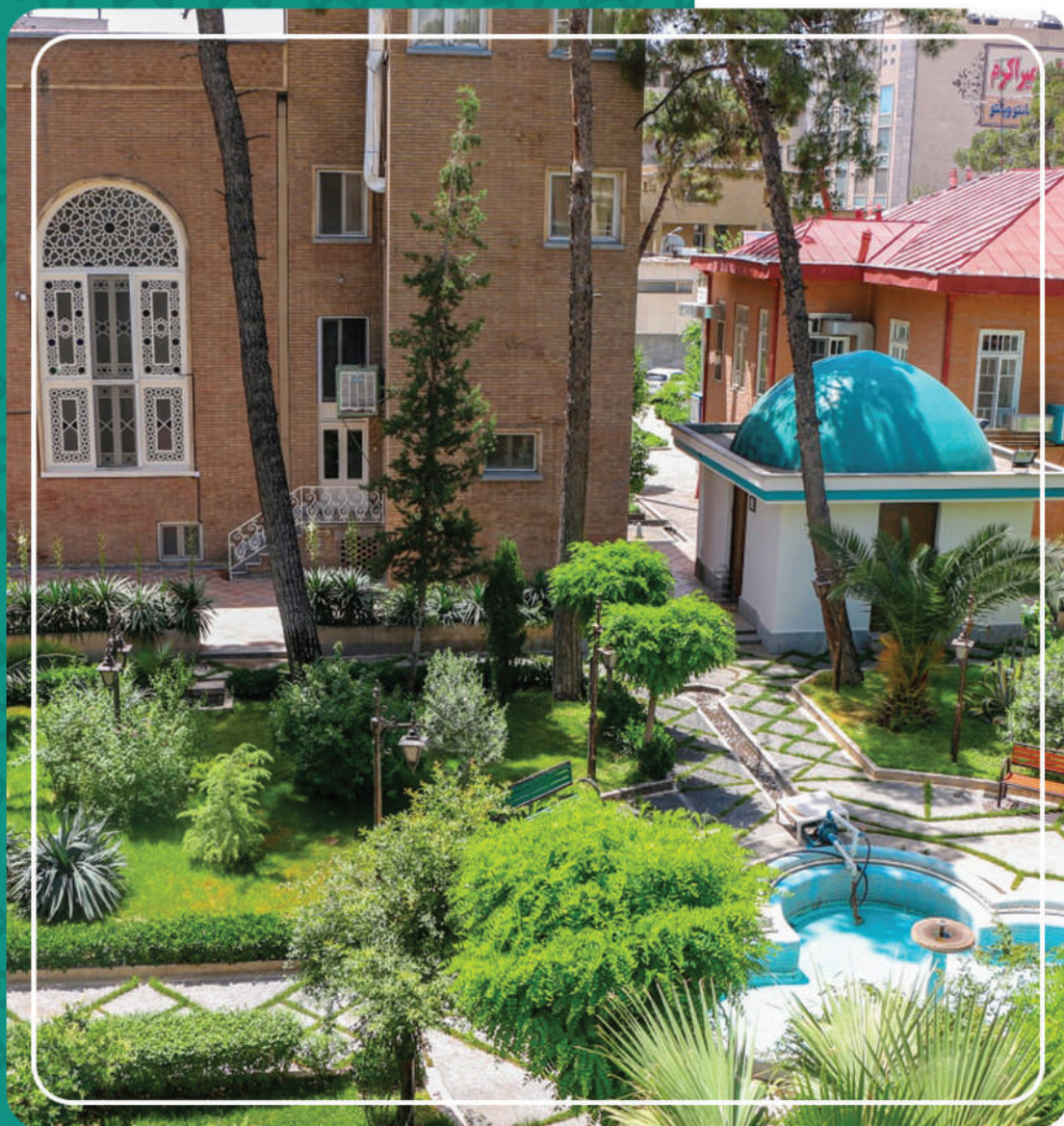
لذا نمی‌توان گفت که اراده آگاهانه متأخر از فعالیت مغزی است. دخالت آگاهی در اراده باید به این صورت باشد که هویت اراده یک هویت آگاهانه باشد. ما در فلسفه صدراپی نشان می‌دهیم که هویت اراده یک هویت آگاهانه است. پس از ارائه دکتر حسین زاده، آقایان دکتر محسنی و دکتر لهراسبی به بیان نقدهای خود به دیدگاه ایشان پرداختند و در انتها نیز دکتر حسین زاده پاسخی به برخی نکات ارائه کرد.

با اهتمام گروه پژوهشی «فلسفه اسلامی» مؤسسه، کرسی ترویجی «بازخوانی اراده آگاهانه با رویکرد صدراپی در مواجهه با آزمایش‌های بنجامین لیبت»، در روز شنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۶، به صورت حضوری و مجازی، برگزار گردید.

دکتر حسین زاده ارائه خودشان را از این نکته شروع کردند که بررسی‌های من نشان داد که بر اساس حکمت متعالیه درباره آزمایش لیبت کاری صورت نگرفته است. لیبت ادعا کرد آنچه ما به آن اراده آزاد می‌گوییم در واقع تصمیم‌گیری ناآگاهانه مغزی است که حدود ۵۵۰ ثانیه قبل از اراده ما شروع می‌شود. این نشان می‌دهد که من نیستم که تفکر می‌کنم و سپس آن را اجرا می‌کنم بلکه مغز تصمیم می‌گیرد و سپس من از آن آگاه می‌شوم. شورگر اصلاحیه‌ای برای ایده لیبت مطرح کرد که این‌گونه نیست که فرآیندهای مغزی را نشان‌دهنده تصمیم مغز بدانیم. RP همواره در مغز ما وجود دارد و وقتی به آستانه رسید و از آستانه عبور کرد، می‌شود زمان تصمیم‌گیری. پس یافته‌های لیبت نمی‌تواند چالش ایجاد کند. تصمیم‌گیری مغز، وجود RP نیست بلکه عبور نوسانات از آن آستانه است که همزمان با آگاهی ما از آن اراده تحقق پیدا می‌کند. در واقع طبق دیدگاه شورگر یک تقارن و همزمانی وجود دارد و







آدرس:

تهران، خیابان ولی عصر،

خیابان نوفل لوشاتو،

خیابان شهید آراکلیان،

شماره ۴

تلفن: ۶۶۹۶۵۳۴۶